

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

جو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۱ سپتمبر ۲۰۱۹

عقب نشینی "غنی احمدزی" از مواضع قبلی اش!

شنبه- ۰۹ سنبله ۱۳۹۸ - کابل: امروز "غنی احمدزی" در تجمعی که به خاطر مبارزات انتخاباتی برگزار نموده بود گفت: "در گفتگوهای صلح جمهوری و نیروهای امنیتی قابل معامله نیستند." یادداشت امروز را به بحث در همین مورد اختصاص داده ام:

۱- اگر به خاطر داشته باشید تا همین چندی قبل که مذاکرات بین امریکا و طالب زیاد جدی گرفته نمی شد، "غنی احمدزی" بعد از عمری طالب پروری، بنا به عادت همیشگی اش که دروغهایش را می خواهد با قیل و قال و چبغ و فریاد تحویل شنوندگان دهد، با صدا های گوشخراش همیشه می گفت: "خط سرخ ما در تمام مذاکرات "قانون اساسی" ما به مثابه وثیقه معتبر ملی ماست."، "خط سرخ ما نظام جمهوریت است"، "خط سرخ ما آزادی بیان و مطبوعات است"، "خط سرخ ما حقوق و آزادهای زنان است"، "خط سرخ ما حقوق بشر است" و ...

۲- وقتی امروز از تمام آن خطوط سرخ و غیر قابل مذاکره می گذرد و به این اکتفاء می نماید که بگوید "جمهوریت و نیروهای امنیتی قابل معامله نیستند" می خواهد صریحاً بگوید که دیگر خطوط سرخ قبلی ارزش و اعتباری ندارند و همه آنها می توانند قابل معامله باشند یعنی می توان از همه آنها صرف نظر کرد مشروط بر این که نظام جمهوریت حفظ شود و نیروهای امنیتی پا برجا بمانند.

۳- عقب نشینی "غنی احمدزی" از خطوط سرخ قبلی و به حد اقل راضی شدن به یک امید و روی چند دلیل صورت می گیرد. امیدی که "غنی احمدزی" از این عقب نشینی دارد، ابقای خودش در مقام ریاست جمهوری، آنهم با برخورداری از اردوی بی عار و خودفروشی که خودش از نو سازماندهی نموده است، می باشد. اما دلایل این عقب نشینی:

الف- جریان مذاکرات صلح و رفت و آمد های "خلیلزاد" به اینجا و آنجا "غنی احمدزی" را متوجه ساخته است که نه تنها دیگر مقام و اعتبار "سوگلی" خودفروشان را در حرمسرای امپریالیسم امریکا ندارد، بلکه عجلاناً نزد ارباب قدرت به الاغ لگد زنی شباهت یافته است که به جای بردن بار، پای راکب خود را می شکند و می باید هرچه زودتر و قبل از آن که پای صاحبش را نیز بشکند از شرش خلاص شود.

ب- چرخش ۱۸۰ درجه مخالفان دیروز طالب، به خصوص آنهایی که "غنی احمدزی" و "حامدکرزی" را سنگ بار می نمودند که چرا طالب را دشمن خطاب نمی کنند به طرف طالب و مغالزه را با طالب آغازیدن از جانب آنها، "غنی

احمدزی" را متوجه ساخته است که تمام داعیان اسلام سیاسی سرانجام سر از گریبان طالب بیرون خواهند نمود اگر دیر بجنبند و به امید تجرید طالب، شعار های بلندبالا سردهد هیچ بعید نیست که زمانی خودش در میدان تنها مانده حتما فرصت فرار را نیز نیابد.

پ- "غنی احمدزی" با آن که مغزش از کار افتاده و تعفن آن برای همه اذیت کننده گردیده، اینقدر می داند که هرگاه جمهوریت به نام و فاقد محتوا مورد قبول قرار گیرد و یک نیروی امنیتی پر تعداد نیز در رکابش باشد، می تواند به مانند پینوچیت ها، سوهارتو ها، مارکوس ها، مبارکها، خامنه ای ها، ضیاءالحق ها و ... تمام جنایاتش را در عقب آن اسم بدون مسما کتمان نموده، بدون دغدغه خاطر به جنایاتش در جهت خدمت به امپریالیسم و ارتجاع هار مذهبی و شونیسم تباری خودش ادامه دهد.

ت- "غنی احمدزی" با خط قرمز جدیدش به امپریالیسم امریکا اعلام می دارد که وی حاضر است هر آن چیزی را که امپریالیسم بخواهد در صورتی که در رأس قدرت باقی ماند و امکان برخورداری از نیروهای امنیتی خودفروزش را داشته باشد به نفع امپریالیسم انجام دهد و نیاز نیست جهت تحقق آن اهداف، امریکا طالب را بیاورد.
هموطنان گرامی!

این که فردی چون "غنی احمدزی" بیاید و بخواهد تمام توجهات را به شکل نظام یعنی "جمهوریت" معطوف بدارد و تمام پایه های مادی یک نظام جمهوری حتما در همان ساختار بورژوائی آن را از بین ببرد، چنان نظامی جمهوری نیست و نمی تواند بر پایه انتخابات آزاد، حق رأی، تساوی حقوق افراد، آزادی زبان و قلم، آزادی زنان و تأمین حقوق مساوی برای آنها به وجود آید.

"غنی احمدزی" اکنون به غریقی شباهت یافته است که اعتقادش را "من زنده جهان زنده، من مرده جهان مرده" می سازد. او تلاش می ورزد به هر طریق ممکن فقط مقام و قدرت خودش را حفظ و مستحکم بسازد، نباید فریب شعار های چرب و گرم وی را خورد.

سرکها ما را می طلبند!